

جغرافیای تاریخی لرستان

در عهد ایلخانان

پژوهشگر و نویسنده: فریبا اعظمی
دانشجوی مقطع دکتری تاریخ ایران

بخش: اول

چکیده:

در قرون نخستین اسلامی، لرستان جزئی از منطقه جبال محسوب می شد؛ فقط در اواخر قرن ششم و روی کار آمدن اتابکان لر بزرگ و کوچک، این اسامی برای اشاره به سرزمین های مورد نظر استفاده شد. سرزمین لر کوچک، بخش اعظم استان های لرستان و ایلام و قسمت کوچکی از خوزستان امروزی را شامل می شد. قدرت گیری اتابکان لر کوچک اندکی پیش از حمله مغولان به ایران شکل گرفت. روی کار آمدن ایلخانان باعث تثبیت حکومت نیمه مستقل اتابکان لر کوچک در این منطقه شد. در نتیجه بخشی از رخدادهای سیاسی و اجتماعی این گستره جغرافیایی، در این دوره صورت گرفته است. لذا این مقاله بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه ای، این منطقه را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوره ایلخانان مورد بررسی قرار دهد. لذا این مقاله نشان داد که روی کار آمدن ایلخانان باعث تثبیت حکومت اتابکان خورشیدی می شود به گونه ای که در دوره های بعد لرستان به عنوان یک والی نشین شناخته شود.

موقعیت طبیعی و جغرافیایی لرستان

استان لرستان با مرکزیت خرم آباد یکی از استان های غربی ایران می باشد. این استان از شمال با استان های همدان و مرکزی، از شرق با استان اصفهان، از جنوب با استان خوزستان و از غرب با استان های کرمانشاه و ایلام همسایه است. همچنین این استان از طریق باریکهای در سمت جنوب شرقی دارای مرز بسیار کمی با استان چهارمحال و بختیاری است.

این استان به دلیل قرار گرفتن در رشته کوههای زاگرس، جغرافیایی کوهستانی و چهار فصل و دارای آب و هوای متنوعی است. مورخان و سیاحان نیز خوش آب و هوا بودن شهرهای لرستان را ذکر کرده اند. (اصطخری، ۱۳۷۳: ۶۰-۷۲)

مورخان و سیاحانی که در گذشته به شهرهای لرستان سفر کرده - اند آنها را پر آب و آباد معرفی کرده اند. (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۱۰۷)

معروف ترین رودخانه های استان سیمره، کشکان و سزار می باشد. مستوفی از سه رودخانه در لر کوچک نام می برد: «آب سیلاخور که به دزپول می رود و دیگری رودخانه خرم آباد که به حویزه می رود و رودخانه کروکی (کرکی) که از راه دزپول به حویزه می رود.» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۶۱)

وجود رشته کوه های زاگرس همچون حصار طبیعی در برابر مهاجمان عمل می کردند. اشترانکوه، کبیر کوه، اسبی کوه، مخمل کوه، کوه یافته، چهل نالغان، کوه گرین سلسله کوه های لرستان را تشکیل می دهند. وجود کوهها و دره های پر آب، ساخت پل - ها برای برقراری ارتباط در این مناطق را ضرورت بخشیده است. از دوره های هخامنشیان و ساسانیان پل های فراوانی به جای مانده

مقدمه: لرستان از نخستین سکونتگاهها در دوران پیش از تاریخ به شمار می رود. این منطقه در طول تاریخ مورد توجه تمدن هایی مانند عیلامی ها، کاسی ها ... و بخصوص ساسانیان بوده است. در سده های نخستین اسلامی، لرستان بخشی از ایالت بزرگ جبال محسوب می شد. با روی کار آمدن اعراب، این منطقه به چند ناحیه همچون ماه البصره، ماه الکوفه، ری، اسپهان و... تقسیم شده بود. در این تقسیم بندی شمال لرستان جزء ماه کوفه و مابقی آن جزء ماه البصره بود. در اواخر قرن ششم هجری اتابکان لر کوچک در لرستان روی کار آمدند. ظهور آنها اندکی پیش از حمله مغولان به ایران بود. شکل گیری حکومت ایلخانان، در تثبیت حکومت نیمه مستقل اتابکان لر کوچک نقش مهمی داشت.

از آنجا که مطالعات محلی برای نگارش یک تاریخ کلی، نقش مهمی دارند و با توجه به ناشناخته بودن لرستان در دوران های مختلف، علی الخصوص دوره ایلخانان، ضرورت دارد که لرستان به عنوان سرزمینی وسیع در این مقطع مورد مطالعه قرار گرفته و ویژگی های قومی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی و جغرافیایی آن شناسایی و معرفی شود. لذا اینکه سرحدات و حدود و ثغور لرستان در دوره ایلخانان چه مناطقی را در بر می گرفت؟ حوزه سرزمینی لرستان در دوره ایلخانان به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟ ویژگی های جغرافیایی و طبیعی لرستان چه تأثیراتی بر معادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مردمان این سرزمین داشته است؟ مسائلی است که در این پژوهش سعی می شود به شیوه توصیفی - تحلیلی به آنها پاسخ داده شود.

با همکاری برادرش توانستند با به دست آوردن مناصب نظامی و سیاسی دربار امرای سلجوقی جایگاهی بیابند و سپس قدرت خود را مستحکم و رقبای سیاسی خود را در لرستان مطیع سازند. شجاع الدین به علت شهامت و شجاعتی که داشت، یکی از ارکان مهم سپاه حسام الدین شوهلی محسوب می شد. رقیب شجاع الدین در دربار حسام الدین شوهلی یکی از فرماندهان کرد به نام سرخاب بن عیار بود. رقابت این دو سردار، حسام الدین را بر آن داشت تا برای ایجاد توازن قدرت میان آن دو شحنگی برخی ولایات لرستان را به شجاع الدین خورشید و برخی دیگر از ولایات را به سرخاب عیاری اعطا کند. (همان: ۵۵۲-۵۵۱)

با توجه به افزایش قدرت شجاع الدین و پشتیبانی قبایل لر از رفتار توام با مهربانی و عدالت آمیز او، زمینه شکل گیری قدرت خاندان او فراهم می آید.

با مرگ حسام الدین در سال ۵۷۰ ه. ق، زمینه برای تحکیم قدرت شجاع الدین خورشید فراهم می شود. این امر به برتری و غلبه شجاع الدین بر رقیب سرخشت سرخاب عیاری منجر می شود. در نهایت سرخاب به عنوان امیر تابع شجاع الدین خورشید و با حکم او به عنوان شحنة مانرود انتخاب می شود. (همان: ۵۵۳) به این ترتیب شجاع الدین بر تمام مناطق لر کوچک دست یافت و مؤسس سلسله اتابکان لر کوچک شد که به سلسله خورشیدی نیز مشهور شدند. (اشپولر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۳)

لرستان به دلیل شرایط مناسب آب و هوایی یکی از مهمترین کانون های زیست بشر و از نخستین سکونتگاهها در دوران پیش از تاریخ به شمار می رود. کاسی ها یکی از نخستین اقوامی بودند که در هزاره سوم قبل از میلاد در غرب زاگرس زندگی می کردند. اما سرانجام پادشاه ایلام آخرین نماینده کاسی ها را برانداخت. ایلامی ها بر مناطق وسیعی که شامل خوزستان، لرستان، پیشکوه و پشتکوه، کوه های بختیاری، بوشهر و کرانه های خلیج فارس استیلا یافتند.

جغرافیای طبیعی لرستان و موقعیت استراتژیک آن، رشته کوه های مرکزی زاگرس و صعب العبور بدون آنها، نبود حکومت های مقتدر مرکزی و ناامنی در این منطقه، از بین رفتن زیر ساخت ها و پل های تاریخی دوره ساسانی در مسیر محورهای مواصلاتی که در گذشته نقش اساسی در حلقه اتصال بین النهرین و فلات مرکزی ایران داشتند و جایگزینی محورهای ارتباطی دیگر نظیر عراق-خوزستان-فارس و... به جای محور عراق-لرستان-فلات مرکزی از جمله عوامل موثر در انحطاط جایگاه لرستان در اوایل دوره اسلامی می باشد.

ناحیه ای که از «ولایت همدان تا تستر و از ولایت اصفهان تا حدود ملک عرب» را در بر می گرفت. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۸) قلمرویی که امروزه شامل استان های لرستان، ایلام و بخشی از خوزستان را در بر می گرفت.

است. (ایزد پناه، ۱۳۵۰: ۲۵۳-۳۲۷)

پوشش گیاهی در لرستان به دو صورت جنگلی و مرتع دیده می شود. بیشتر جنگل های لرستان از نوع بلوط است. پوشش گیاهی غنی لرستان شرایط مناسبی را برای پرورش دام و چرای حیوانات به وجود آورده است. سیاحان از مرغزارهای لرستان فیلی نام می برند. (آریا، ۱۳۷۶: ۱۰۲)

سابقه تاریخی لرستان قبل از ایلیخانان

لرستان به دلیل شرایط مناسب آب و هوایی یکی از مهمترین کانون های زیست بشر و از نخستین سکونتگاهها در دوران پیش از تاریخ به شمار می رود. کاسی ها یکی از نخستین اقوامی بودند که در هزاره سوم قبل از میلاد در غرب زاگرس زندگی می کردند. (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۴۱) اما سرانجام پادشاه ایلام آخرین نماینده کاسی ها را برانداخت. ایلامی ها بر مناطق وسیعی که شامل خوزستان، لرستان، پیشکوه و پشتکوه، کوه های بختیاری، بوشهر و کرانه های خلیج فارس استیلا یافتند. (همان، ۱۲۰-۱۱۶)

در دوره ماد، هخامنشیان و اشکانیان، لرستان جزئی از قلمرو آنان محسوب می شده است. در دوره ساسانیان، لرستان جزء سرزمین «پهله» یا «پهلوی» بود. ابن خردادبه سرزمین پهلویین را ری، اصفهان، همدان، دینور، نهاوند، مهرجانقدق، ماسبدان و قزوین می داند. (عبیدالله ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۷) عرب ها بعدها این سرزمین را «جبال» نامیدند. (اصطخری، ۱۳۷۳: صص ۵-۳۰۴) یاقوت می گوید در زمان سلجوقیان، عراق عجم را به جای ایالت جبال به کار می بردند. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۱)

در زمان پادشاهان آل بویه، حسنویه برزیکانی (۶۹-۳۴۸) بر بخش هایی مهم از کردستان و شمال لرستان حاکم شدند. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۹۲) پس از مرگ حسنویه در سال ۳۶۹ ه. ق پسرش، بدر بن حسنویه، به حکومت رسید. حدود حکومت وی، از همدان تا اهواز بود. (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۲۷) پناهنده شدن بسیاری از شاهزادگان بویه به دربار بدر بن حسنویه در شهر شاپورخواست لرستان و همچنین نگهداری اموال و خزاین سلطنتی بدر در قلعه شاپورخواست (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۹۹) نشان از اهمیت و امنیت دربار بدر بن حسنویه می باشد.

با روی کار آمدن سلجوقیان قلمرو لر کوچک که وابسته به دیوان خلافت عباسی بود، منضم به دیوان مرکزی سلجوقیان شد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۹۳) پس از قرن ۵ و ۶ هجری و براساس تصمیمات و شیوه اداری مرسوم در نزد سلجوقیان، امراء ترک بر منطقه حاکم شدند و امرای بومی و حکومتگر لر کوچک به خدمت امرای ترکمان مزبور درآمدند.

در حدود سال ۵۵۰ قمری یکی از امرای سلجوقی به نام حسام-الدین شوهلی فرمانروای لرستان و قسمتی از خوزستان شد. (بلاذری، ۱۳۶۴: ۴۷) یکی از سیاست ها جهت اداره قلمرو در این دوره، استفاده از روسای قبایل و امرای بومی و محلی بود. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۹۵) حسام الدین شوهلی گروهی از امرای قدرتمند کرد و لر را که قبلا به اطاعت سلجوقیان در آمده بودند، تحت خدمت داشت؛ از جمله آنان، حکمران وقت خاندان بنی-عیار و فرزندان خورشید(محمد و کرامی) بودند. (همان: ۱۹۳)

شجاع الدین خورشید ابن ابی بکر ابن محمد بن خورشید، از امرا و سرکردگان لر طایفه چنگروری از شعبه سلپورزی بود که به خدمت حسام الدین شوهلی درآمد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۳) وی

تاریخ سیاسی لرستان در دوره ایلخانان

بدلیسی به نقل از زبده التواریخ، در باب وجه تسمیه سرزمینی که اندکی پیش از حمله مغول به لرستان مشهور شده بود ذکر می کند که «در ولایت ماترود قریه ای است که در آنجا موضعی وجود دارد به آن لر می گویند و چون اصل آنها از آن موضع است به آنان لران می گویند» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۴) لرستان شامل دو قسمت لر بزرگ و لر کوچک بود. قسمت شمال غربی به لر کوچک و قسمت جنوب شرقی به لر بزرگ معروف بود. (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۹۵) این دو (لر بزرگ و لر کوچک)، جزء نه تومان جبال به حساب می آمدند. (مستوفی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸)

شعبه ای که به لر بزرگ موسوم بود، در استان های امروزی چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، قسمتی از فارس و خوزستان ساکن بودند و لر کوچک بخش اعظم استان های لرستان و ایلام و قسمت کوچکی از خوزستان امروزی را شامل می شد. سلسله عمده کبیر کوه صفحه لر کوچک را دو قسمت می کند که در دوره قاجار با نام های پیشکوه (لرستان امروزی) و پشتکوه (ایلام امروزی) شناخته می شد. (اشپولر، ۱۳۹۴: ۹۶)

شجاع الدین به عنوان مؤسس سلسله اتابکان لر کوچک جهت گسترش قلمرو خود به «ولایت بیات» لشکرکشی کرد و آن منطقه را ضمیمه لرستان کرد. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۹۰) وی همچنین در جریان اختلاف با خلیفه عباسی بر سر تصاحب قلعه مانکره آنجا را واگذار کرد و در عوض ناحیه طرازک از حدود خوزستان را گرفت. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۲) شجاع الدین خورشید در سال ۶۲۱ ه.ق در سن صد سالگی درگذشت. (همان: ۲۴۸)

در دوره ماد، هخامنشیان و اشکانیان،

لرستان جزئی از قلمرو آنان محسوب می شده است.

در دوره ساسانیان، لرستان جزء سرزمین «پهله» یا «پهلوی» بود.

ابن خردادبه سرزمین پهلویین را ری، اصفهان، همدان، دینور، نهاوند، مهرجاننقدق، ماسبدان و قزوین می داند.

عرب ها بعدها این سرزمین را «جبال» نامیدند.

یاقوت می گوید:

در زمان سلجوقیان، عراق عجم را به جای ایالت جبال به کار می بردند.

بعد از شجاع الدین خورشید، برادرزاده اش سیف الدین رستم (۶۲۱ ه.ق) جانشین وی شد. (همان: ۵۵۳) یکسال بعد خلیفه الناصر نیز دار فانی را وداع گفت. پس از مرگ خلیفه پسرش محمد به خلافت رسید که یکسال بیشتر خلافت نکرد. در زمان وی (سیف الدین رستم) بود که سلطان جلال الدین خوارزمشاه هنگام عبور از لر کوچک به مدت یک ماه در شاپورخواست اقامت کرد و امرای لر به وی خدمت کردند. (جوبنی، ۱۳۸۵: ۱۵۴)

او (سیف الدین رستم) در مدت فرمانرواییش نظم و امنیت را در قلمرو خود برقرار ساخت. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۳۳-۵۳۴) سیاست های عمرانی و اصلاحی وی باعث شد که روسا و متنفذان قبایل لر، ناراضی شده و در توطئه برکناری و قتل وی، با مشارکت برادرش وارد عمل شوند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۰۶)

سومین اتابک لر کوچک شرف الدین ابوبکر نام داشت که دوران حکومتش کوتاه و با ناکامی های فراوان توأم بوده است. چهارمین اتابک عزالدین گرشاسف بود که با مرگ برادرش جانشین وی شد. حسام الدین خلیل بن بدر بن شجاع الدین خورشید که از زمان حکومت سیف الدین رستم در دربار خلیفه عباسی در بغداد بود، توانست حمایت خلیفه را جلب کند و با سپاهی عازم لر کوچک شود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۵) در جنگی که بین عزالدین گرشاسف و او صورت گرفت سواران لر، طرف حسام الدین خلیل را گرفته و به وی پیوستند. در نتیجه سپاه عزالدین شکست خورد و حسام الدین خلیل حکومت را در دست گرفت. (همان)

حسام الدین خلیل پنجمین اتابک حاکم لر کوچک بود. در زمان وی اولین تماس اتابکان لر کوچک با مغولان برقرار شده است. در زمان وی، سلیمان شاه حاکم کردستان به خونخواهی عزالدین (اتابک پیشین و شوهر خواهرش) به لرستان لشکرکشی کرد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۱۰)

ویژگی های طبیعت لرستان

و صعب العبور بودن آن

به دلیل رشته کوه مرکزی زاگرس،

نبود حکومت های مقتدر مرکزی و ناامنی در این

منطقه، از بین رفتن زیر ساخت ها و پل های

تاریخی آن در دوره ساسانی که حلقه اتصال بین

النهرین و فلات مرکزی ایران بودند

از جمله عوامل موثر در انحطاط جایگاه لرستان در

اوایل دوره اسلامی می باشد.

در نبردی که بین آنها در گرفت، والی کردستان شکست خورد و قسمت هایی از کردستان به تصرف حسام الدین خلیل درآمد؛ (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۶) ولی چون کردستان تحت حمایت خلیفه عباسی المعتصم بالله بود، با کمک سپاهیان او حاکم کردستان، حسام الدین را مغلوب کرد. با حمایت خلیفه از سلیمان شاه، اتابک لر (حسام الدین) درصدد برآمد که حمایت نیروی سیاسی دیگری را جلب کند. حضور مغولان در منطقه می توانست در ایجاد تغییر شرایط به نفع حسام الدین خلیل موثر واقع شود؛ لذا به مغولان توسل جست و آنها، او (حسام الدین) را به شحنگی لر کوچک منصوب کردند. (همان: ۲۱۱)

حسام الدین در نبرد دیگری با والی کردستان، سلیمان شاه که از حمایت خلیفه عباسی برخوردار بود، کشته شد (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۶) و این حادثه، دشمنی بین دربار خلیفه عباسی و اتابک بعدی لرستان را تشدید کرد و باعث پیوستن به مغولان شد.

پس از قتل حسام الدین خلیل (۶۴۰ ه.ق)، برادرش بدرالدین مسعود به حکومت رسید که مورد مخالفت خلیفه عباسی قرار گرفت و او ناگزیر دست به دامان مغولان زد و به دربار منکوقاآن رفت و ۱۶ سال در آنجا اقامت گزید. (همان: ۲۱۶)

او (بدرالدین) در فتح بغداد در رکاب خان بود. (همان: ۲۱۴) و به کمک سپاهسانی که در اختیارش گذارده شد بر مخالفین خود غلبه کرد. پس از تصرف بغداد قسمتی از غنائم جنگی نیز به او واگذار شد. بدرالدین پس از مدت کوتاهی در سال ۶۵۸ ه.ق درگذشت. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۷)

پس از مرگ بدرالدین مسعود، نزاعی خانوادگی بر سر جانشینی

را غاصب خواندند و با او به مخالفت پرداختند. در این هنگام صمصام الدین محمود با لشکری از سیمره جنوبی عازم جنگ با حسام الدین گردید. حسام الدین عمر که خود را در مقابل او ناتوان دید حکومت را به صمصام الدین واگذار کرد. (همان)

صمصام الدین محمود (یازدهمین اتابک) فرزند نورالدین ابن عزالدین گرشاسف پس از عزل حسام الدین عمر به حکومت لر کوچک رسید. حسام الدین عمر پس از مدتی به لرستان برگشت و علیه صمصام الدین شروع به فعالیت کرد. مخالفان به او پیوستند. صمصام الدین با تعداد کمی از سپاهیان عزم تنبیه حسام الدین عمر و سایر مخالفان کرد. صمصام الدین اگر چه در جنگ با آنها از خود شجاعت نشان داد؛ ولی به شدت زخمی شد. در کتاب تاریخ جامع ایران به نقل از منتخب التواریخ معنی آورده است که میان ایشان جنگی عظیم رخ داد و صمصام الدین محمود به شدت زخمی شد. حسام الدین عمر بیگ عاقبت پیروز شد و پسر خردسال وی را کشت. در پی این اقدامات ایلخان مغول (غازان خان) در سال ۶۹۵ هجری قمری حسام الدین را به قتل رسانید. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۴)

عزالدین محمد حسین (دوازدهمین اتابک) به حکومت لرستان رسید. در ابتدای حکومت کودکی بیش نبود. عمویش بدرالدین مسعود قیمومت او را به عهده گرفت و الجایتو سلطان بدرالدین را حاکم ولا کرد و لقب اتابکی به وی داد و عزالدین را حاکم اینجو کرد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۶۰)

لیکن ایلخان، عزالدین را در دربار خود نگاه داشت. به نظر می رسد وضعیت سیاسی و اجتماعی لر کوچک به گونه ای بود که حضور دو رقیب سیاسی در کنار هم امکان پذیر نبود. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۲۰) عزالدین بعدها به تنهایی قدرت را در دست گرفت و تا سال ۷۱۶ ه.ق حکومت کرد.

پس از مرگ عزالدین محمد، همسرش ملکه خاتون به جای او به حکومت رسید. در این زمان دربار ایلخان مغول در وضعیت انتقال قدرت از ایلخان متوفی (الجایتو) به ابوسعید بود. (همان: ۲۲۱) سلطان ابوسعید به دلیل اخلاف در وضع جمع آوری مالیات، ملکه خاتون را معزول و حکومت را به برادرش عزالدین حسین سپرد (اشپولر، ۱۳۷۶: ۵۹)

اتابک عزالدین حسین در قلمرو خود اقدامات و اصلاحاتی را انجام داد. وی در سال ۷۳۰ ه.ق فوت کرد.

پس از مرگ عزالدین حسین در سال ۷۳۰ ه.ق، پسرش شجاع الدین محمود (۷۵۰-۷۳۰ ه.ق) به جای وی بر تخت سلطنت نشست. اندکی بعد از به قدرت رسیدن شجاع الدین، ابوسعید ایلخان (۷۳۶ ه.ق) درگذشت و دوره ای از اغتشاش و آشوب سرزمین ایران را فرا گرفت.

رفتار خشن و سختگیری بیش از حد وی به اطرافیان خود قتل وی را در پی داشت. به دلیل همدستی و مشارکت شمار زیادی از افراد متنفذ در این قتل، کسی در صدد خونخواهی وی برنیامد. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۵۵-۲۵۶)

شجاع الدین محمود آخرین اتابک در عصر ایلخانان بود. در فاصله بین حکومت مغول و تیموریان، اتابکان تا حدی تابع آل مظفر بودند.

ادامه دارد

در گرفت که تاج الدین شاه (هفتمین اتابک) با دستور هلاکو و کمک اباقخان با اقتدار تمام در لرستان به حکومت پرداخت و وی ۱۷ سال بر لر کوچک حکومت کرد. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۱) به خاطر اختلافاتی که با برخی امرای مغول پیش آمد، ایلخان اباقا دستور قتل وی را در سال ۶۶۷ ه.ق صادر کرد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۸)

پس از کشته شدن تاج الدین شاه، اباقخان حکمرانی لر کوچک را میان دو فرزند بدرالدین مسعود یعنی فلک الدین حسن و عزالدین حسین تقسیم کرد. فلک الدین حسن حاکم ولاء بود و عزالدین حسین حاکم اینجو و ولیعهد برادر بود. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۲) هر دو برای توسعه متصرفات خود دست به اردو کشی زدند و حدود قلمرو آنان از نهاوند تا شوشتر و از اصفهان تا مناطق عرب نشین بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۸)

ایلخان گیخاتو در سال ۶۹۲ ه.ق هر دوی آنها را عزل کرد و به جای آنها جمال الدین خضر را نشانید. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۲) جمال الدین خضر (نهمین اتابک) پسر تاج الدین شاه بود. هدف گیخاتو ایلخان از انتخاب وی، توجه به موقعیت شاخه خاندانی حسام الدین خلیل در میان سران قوم لر بوده است؛ زیرا جمال الدین خضر از شخصیت های مهم شاخه خاندانی حسام الدین بود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۱۸)

بدلیسی به نقل از زبده التواریخ،

در باب وجه تسمیه سرزمینی که اندکی پیش از حمله مغول به لرستان مشهور شده بود ذکر می کند که «در ولایت ماترود قریه ای است که در آنجا موضعی وجود دارد به آن لر می گویند و چون اصل آنها از آن موضع است به آنان لران می گویند.»

لرستان شامل دو قسمت لر بزرگ و لر کوچک بود. قسمت شمال غربی به لر کوچک و قسمت جنوب شرقی به لر بزرگ معروف بود. این دو (لر بزرگ و لر کوچک)، جزء نه تومان جبال به حساب می آمدند.

شعبه ای که به لر بزرگ موسوم بود،

در استان های امروزی چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، قسمتی از فارس و خوزستان ساکن بودند

و لر کوچک بخش اعظم استان های لرستان و ایلام و قسمت کوچکی از خوزستان امروزی را شامل می شد. سلسله عمده کبیر کوه صفحه لر کوچک را دو قسمت می کند که در دوره قاجار با نام های پیشکوه (لرستان امروزی) و پشتکوه (ایلام امروزی) شناخته می شد.

اما در سال ۶۹۳ ه.ق مخالفان وی با دستگیری عده ای از لشکریان مغول که در نزدیکی خرم آباد یورت داشتند، او و عده ای از نزدیکانش به قتل رسیدند. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۹)

حسام الدین عمر بیگ (دهمین اتابک) پس از قتل جمال الدین خضر به حکومت رسید. وی از نوادگان شجاع الدین خورشید بود. بزرگان و اشراف قوم لر و سپاهیان به این بهانه که هرگز فردی از خانواده آنها امیر نشده است و لیاقت فرمانروایی را ندارد، او